

1 و اما جمعی از یهودیه به انطاکیه آمده به برادران تعلیم می‌دادند که: «اگر مطابق آیین موسی ختنه نشوید، نمی‌توانید نجات بیابید.»

2 پس چون پولس و برنابا به مخالفت و مباحثه شدید با ایشان برخاستند، قرار بر این شد که آن دو به همراه چند تن دیگر از ایشان به اورشلیم بروند و این مسئله را با رسولان و مشایخ در میان نهند.

3 پس کلیسا ایشان را بدرقه کرد؛ و آنها در گذر از فینیقیه و سامره، به بیان چگونگی ایمان آوردن غیریهودیان پرداختند و همه برادران را بسیار شاد ساختند.

1 وَأَنْحَدَرَ قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ، وَجَعَلُوا يُعَلِّمُونَ الْأَخْوَةَ أَنَّهُ: «إِنْ لَمْ تَخْتَنُوا حَسَبَ عَادَةِ مُوسَى، لَا يُمْكِنُكُمْ أَنْ تَخْلُصُوا».

2 فَلَمَّا حَصَلَ لِبُولُسَ وَبِرْنَابَا مُنَازَعَةٌ وَمُبَاحَثَةٌ لَيْسَتْ بِقَلِيلَةٍ مَعَهُمْ، رَتَّبُوا أَنْ يَصْعَدَ بُولُسُ وَبِرْنَابَا وَأَنَاسٌ آخَرُونَ مِنْهُمْ إِلَى الرَّسُلِ وَالْمَشَايخِ إِلَى أُورُشَلِيمَ مِنْ أَجْلِ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ.

3 فَهُوَ لَاءِ بَعْدَ مَا شَيَّعَتْهُمْ الْكَنِيسَةُ أَجْتَازُوا فِي فِينِيقِيَّةٍ وَالسَّامِرَةِ يُخْبِرُونَهُمْ بِرُجُوعِ الْأَمَمِ، وَكَانُوا يُسَبِّحُونَ سُرُورًا عَظِيمًا لِجَمِيعِ الْأَخْوَةِ.

4 چون به اورشلیم رسیدند، کلیسا و رسولان و مشایخ از ایشان استقبال کردند. پولس و برنابا هر آنچه خدا به واسطه آنها انجام داده بود، بدیشان بازگفتند.

5 آنگاه برخی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند، برخاسته، گفتند: «این غیریهودیان را باید ختنه کرد و حکم داد که شریعت موسی را نگاه دارند.»

6 پس رسولان و مشایخ گرد آمدند تا به این مسئله رسیدگی کنند.

4وَلَمَّا حَضَرُوا إِلَى أورشَلِيمَ قَبِلَتْهُمُ  
الْكَنِيْسَةُ وَالرُّسُلُ وَالْمَشَايخُ،  
فَأَخْبَرُوهُمْ بِكُلِّ مَا صَنَعَ اللهُ مَعَهُمْ.

5وَلَكِنْ قَامَ أَنْاسٌ مِنَ الَّذِينَ كَانُوا  
قَدْ آمَنُوا مِنْ مَذْهَبِ الْفَرِيسِيِّينَ،  
وَقَالُوا: «إِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُخْتَنُوا،  
وَيُوصَّوْا بِأَنْ يَحْفَظُوا نَامُوسَ  
مُوسَى».

6فَأَجْتَمَعَ الرُّسُلُ وَالْمَشَايخُ لِيَنْظُرُوا  
فِي هَذَا الْأَمْرِ.

7 پس از مباحثه بسیار، سرانجام پطرس برخاست و بدیشان گفت: «ای برادران، شما آگاهید که در روزهای نخست، خدا مرا از میان شما برگزید تا غیریهودیان از زبان من پیام انجیل را بشنوند و ایمان آورند.

8 و خدایی که عارف‌القلوب است بر ایشان گواهی داد بدین که روح‌القدس را بدیشان عطا فرمود، چنانکه به ما نیز.

7 فَبَعْدَ مَا حَصَلَتْ مُبَاحَثَةٌ كَثِيرَةٌ قَامَ بَطْرُسُ وَقَالَ لَهُمْ: «أَيُّهَا الرِّجَالُ الْأَخَوَةُ، أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مِنْذُ أَيَّامٍ قَدِيمَةٍ اخْتَارَ اللَّهُ بَيْنَنَا أَنَّهُ بِفَمِي يَسْمَعُ الْأُمَّمُ كَلِمَةَ الْإِنْجِيلِ وَيُؤْمِنُونَ.

8 وَاللَّهُ الْعَارِفُ الْقُلُوبِ، شَهِدَ لَهُمْ مُعْطِيًا لَهُمُ الرُّوحَ الْقُدُسَ كَمَا لَنَا أَيْضًا.

12 سپس جماعت همه ساکت شدند و به برنابا و پولس گوش فرا دادند. آنان آیات و معجزاتی را که خدا به دست ایشان در میان غیریهودیان ظاهر کرده بود، باز می‌گفتند.

13 چون سخنان ایشان به پایان رسید، یعقوب گفت: «ای برادران، به من گوش فرا دهید!

12 فَسَكَتَ الْجُمْهُورُ كُلُّهُ.  
وَكَانُوا يَسْمَعُونَ بَرْنَابَا  
وَبُولُسَ يُحَدِّثَانِ بِجَمِيعِ مَا  
صَنَعَ اللَّهُ مِنْ الْآيَاتِ  
وَالْعَجَائِبِ فِي الْأُمَمِ  
بِوَأَسْطِنَتِهِمْ.

13 وَبَعْدَمَا سَكَتَا أَجَابَ  
يَعْقُوبُ قَائِلًا: «أَيُّهَا الرِّجَالُ  
الْأَخَوَّةُ، أَسْمَعُونِي.

19 پس رأی من بر این است  
که آنان را که از غیریهودیان  
به سوی خدا باز می‌گردند،  
رحمت نرسانیم.

19 لَذَلِكَ أَنَا أَرَىٰ أَن لَّا  
يُنْقَلُ عَلَيَّ الرَّاجِعِينَ إِلَى  
اللَّهِ مِنَ الْأُمَّمِ،

20 اما باید در نامه‌ای از  
ایشان بخواهیم که از خوراک  
آلوده به بت‌پرستی، بی‌عفتی،  
گوشت حیوانات خفه شده و  
خون پیرهیزند.

20 بَلْ يُرْسَلُ إِلَيْهِمْ أَن  
يَمْتَنِعُوا عَنِ الْجَاسَاتِ  
الْأَصْنَامِ، وَالزَّيْنَا،  
وَالْمَخْنُوقِ، وَالْدَّمِ.

30 پس ایشان روانه  
شده، به انطاکیه رفتند و  
در آنجا کلیسا را گرد  
آورده، نامه را رساندند.

31 چون آنها نامه را  
خواندند، از پیام  
دلگرم کننده آن شادمان  
شدند.

30 فَهُوَ لَأَعْلَمُ لِمَا أَطْلَقُوا  
جَاءُوا إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ،  
وَجَمَعُوا الْجُمْهُورَ  
وَدَفَعُوا الرِّسَالَةَ.

31 فَلَمَّا قَرَأُوهَا  
فَرِحُوا لِسَبَبِ النُّعْرِيَّةِ.

20 درخواست من تنها برای آنها نیست، بلکه همچنین برای کسانی است که به واسطه پیام آنها به من ایمان خواهند آورد،

21 تا همه یک باشند، همان‌گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.

22 و من جلالی را که به من بخشیدی، بدیشان بخشیدم تا یک گردند، چنانکه ما یک هستیم؛

23 من در آنان و تو در من. چنان کن که آنان نیز کاملاً یک گردند تا جهان بداند که تو مرا فرستاده‌ای، و ایشان را همان‌گونه دوست داشتی که مرا دوست داشتی.

20 «وَلَسْتُ أَسْأَلُ مِنْ أَجْلِ هَؤُلَاءِ فَقَطُّ، بَلْ أَيْضًا مِنْ أَجْلِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِبِكَلَامِهِمْ،

21 لِيَكُونَ الْجَمِيعُ وَاحِدًا، كَمَا أَنَّكَ أَنْتَ أَيُّهَا الْأَبُ فِيَّ وَأَنَا فِيكَ، لِيَكُونُوا هُمْ أَيْضًا وَاحِدًا فِينَا، لِيُؤْمِنَ الْعَالَمُ أَنَّكَ أَرْسَلْتَنِي.

22 وَأَنَا قَدْ أَعْطَيْتُهُمُ الْمَجْدَ الَّذِي أَعْطَيْتَنِي، لِيَكُونُوا وَاحِدًا كَمَا أَنَّا نَحْنُ وَاحِدٌ.

23 أَنَا فِيهِمْ وَأَنْتَ فِيَّ لِيَكُونُوا مُكَمَّلِينَ إِلَيَّ وَاحِدٍ، وَلِيَعْلَمَ الْعَالَمُ أَنَّكَ أَرْسَلْتَنِي، وَأَحْبَبْتَهُمْ كَمَا أَحْبَبْتَنِي.

1 امروز می خواهم در خصوص موضوعی که شخصاً  
برایم اهمیت بسیاری دارد صحبت کنم.

جنبش بومی گرایی

برخی از شما ممکن است بدانید که من مسئول  
کلیسای منطقه و رئیس منتخب انجمن کلیساهای  
مسیحی هستم. و این وظیفه من است که فرقه ها و  
گروه های مختلف مسیحی را جهت گفتگو گردهم  
بیاورم در واقع این وظیفه ای آشکار برای من است.  
همان طور که پولس رسول بشکلی ضروری هشدار  
داده است که : متحد باشید.

امروزه جوامع بی شماری از مسیحیان در سراسر  
جهان همراه با آموزه ها و انواع مختلفی از عبادات و  
اشکال اعتقادی وجود دارند که نیازی به گفتن من  
نیست و بسیاری از شما به عنوان اشخاصی که از  
کلیساهای متفاوتی آمده اید تفاوت های بزرگ موجود  
را درک می کنید.

1-أود اليوم أن أتحدث إليكم عن موضوع مهم جدًا بالنسبة لي  
شخصيًا:

الحركة المسكونية.

قد يعرف بعضكم أنني المسؤول المسكوني لمنطقة الكنيسة في  
ستاد والرئيس المنتخب لمجموعة عمل الكنائس المسيحية.

ومن واجبي أن أجلب مختلف الطوائف والجماعات المسيحية  
في محادثة مع بعضها البعض.

في الواقع ، هذا أمر لا يقول:

يحث بولس بالفعل على وجه السرعة:

كن متحدا.

واليوم يوجد عدد لا يحصى من الجماعات المسيحية حول العالم  
ذات عقائد وأنواع مختلفة من العبادة وأشكال المعتقدات.

ليس علي أن أخبرك بذلك. لأن الكثير منكم ينتمون إلى كنيسة  
مختلفة وتعرفون أكثر مني عن الاختلافات الكبيرة.



2 بعضی از کلیساها به صورت خودکفا عمل می‌کنند و برخی به عناوینی مسیحیت را انکار می‌کند و در واقع این ساده‌ترین راه جهت اجتناب کردن از حکم وحدت است. برخی به سادگی دیگران را نادیده می‌گیرند «بله، بله، مسیحیان دیگری نیز هستند، اما ما آنها را نمی‌شناسیم»

انواع دیگری نیز وجود دارد که جهت مواجه شدن با سایر مسیحیان مسیر دشوار را در پیش می‌گیرد: اینان کسانی هستند که در مسیر بومی‌گرایی قدم بر میدارند.

جنبش بومی‌گرایی در این صدد نیست که تمامی تفاوت‌ها را از میان بردارد و نوعی جدید از مسیحیت را با کوچکترین وجوه اشتراک احداث نماید دقیقاً برعکس: شعار جنبش بومی‌گرایی

اتحاد در تفاوت‌های آشتی یافته است.

بنابراین، باید تفاوت‌ها را معلوم نمود، در عین حال به مشترکات آنها نیز توجه نمود. و با اراده‌ای جهت مصالحه به صورت متوالی به سراغ یکدیگر رفت.

2- تتمتع بعض الكنائس بالاكْتفاء الذاتي وتتكبر على الآخرين المسيحية - وهذا بالطبع أسهل طريقة للتعامل مع مهمة الوحدة.

يتجاهل البعض الآخر ببساطة: "نعم ، أجل. هناك أيضاً مسيحيون آخرون ، لكننا لا نعرفهم " .

ثم هناك أولئك الذين انطلقوا في طريق شاق للقاء مسيحيين آخرين: هؤلاء هم الذين يسرون في طريق المسكونية.

الحركة المسكونية ليست معنية بحل جميع الاختلافات وبناء مسيحية جديدة مع أصغر شيء مشترك.

لكن على العكس من ذلك. شعار الحركة المسكونية هو:

الوحدة في التوفيق بين التنوع.

لذا ، قم بتمييز الاختلافات ، ولكن انظر أيضاً إلى الأشياء المشتركة بينها. وبارادة المصالحة أن يذهب كل منهما للآخر على أي حال

یک مقدمه طولانی برای آنچه امروز با شما به آن می پردازیم در واقع آغازی جهت ساختن گروه و نحوه برخورد مسیحیان با تفاوت هایشان.

آنچه ما امروز به عنوان مسیحیت می شناسیم، در گذشته یک فرقه مذهبی یهودی بود و بر جوامع یهودی پیوندی ناگسستنی داشت. در این خطبه با جوانی مواجه می شویم که به انتشار عقاید غلط متهم شده بود او در مقابل جمعیت خشمگین می ایستد و برای دفاع از خود شروع به سخنرانی آتشین می کند. او استفان نام دارد. پیرو مسیح جدید در یهودیت است که ادعا می کند عیسی از ناصریه همان مسیحی است که مدت ها در انتظارش بودیم. جمعیت به او حمله ور شده و او را می کشند و این امر نه تنها برای او بلکه برای اکثر کسانی که بعدها مسیحیان نامیده شدند اتفاق افتاد و آزار و اذیت های فراوانی برای آنها به وجود آمد.

مقدمة طويلة لما أود إلقاء نظرة عليه معكم اليوم.

وهي بدايات تكوين المجموعة

وكيف تعامل المسيحيون بعد ذلك مع خلافاتهم.

ما نسميه المسيحية اليوم كان آنذاك لا يزال طائفة يهودية ومرتبطة ارتباطاً وثيقاً بالمجتمعات اليهودية.

هنا نلتقي بشاب متهم بنشر معتقدات باطلة. يقف أمام حشد غاضب ويلقي خطاباً نارياً للدفاع عن نفسه:

إنه ستيفن. وهو ينتمي إلى إيمان يهودي جديد يدعي أن يسوع الناصري هو المسيح المنتظر منذ زمن طويل.

الحشد يسقط عليه ويقتله.

وليس هو وحده: هذه المجموعة الجديدة ، التي سميت فيما بعد "بالمسيحيين" ، تعاني من اضطهاد شديد.

4 در آن روز، آزار و اذیت فراوانی بر اعضای که در اورشلیم بودند واقع شد. به استثنای حواریونی که همگی در سرزمین یهودیه و سامرا پراکنده بودند

### اعمال رسولان 8

این گونه ما شاهد اولین بیگانگی تاریخ هستیم. مسیحیانی که آرامی زبان و یهودی بودند در اورشلیم می مانند یونانی زبان ها به مناطق اطراف اسرائیل و فلسطین امروزی فرار میکنند.

و حال که آنها امکان دیدار هرروزه را ندارند و با یکدیگر صحبت نمی کنند به سرعت برای یکدیگر به بیگانگان تبدیل می شوند.

بیگانگی که در یک مقطع به خوبی دیده می شود، در سوال فرد خداپرست مسیحی: چگونه باید با آنها کنار آمد؟

آیا آنها نباید ختنه کنند (سنت را بجا آورند)؟

4- في ذلك اليوم بدأ اضطهاد شديد للكنيسة في اورشليم. باستثناء الرسل ، تشتت الجميع على أراضي يهودا والسامرة. (أعمال 8.1 BB)

وبهذا نشهد أول اغتراب: المسيحيون اليهود الناطقون باللغة الآرامية يبقون في القدس ويهرب الناطقون باليونانية إلى المنطقة المحيطة بإسرائيل وفلسطين اليوم.

وإذا كنت لا ترى بعضكم البعض وتحدث مع بعضكم البعض كل يوم ، فسرعان ما تصاب بالغربة.

ويمكن رؤية هذا الاغتراب جيدًا بشكل خاص في مرحلة ما - أي مسألة "الأتقياء" الناطقين باليونانية: كيف ينبغي للمرء أن يتعامل معهم؟

هل يسمحون لأنفسهم بالختان أم لا؟

5 یک نکته کوچک در این خصوص.

یهودی تنها کسی است که از مادری یهودی متولد شده باشد.

گروه بزرگی از هواداران یهودیت بودند که در دعاها و قربانی ها حضور داشتند اما سنت ختنه را به جا نمی آوردند.

آن ها عملاً در روشنایی یهودیت زندگی می کردند: در عهد جدید آنها را «خداترسان» می نامیدند.

فرماندار کفرناحوم یکی از این اشخاص بود. لوقا 7

فرماندار کورنلیوس. اعمال رسولان 10

و زن ارغوانی لیدیا و تایتوس.

آنها در واقع یهودیان یونانی بودند. این مسیر جدید یهودیت که امروز ما آنرا مسیحیت می نامیم در آن زمان برای آنها بسیار جذاب بود. بنابراین، در یک زمان کوتاه بسیاری از این افراد «خدا ترسان» عیسی ناصری را به عنوان مسیح معرفی نمودند.

اما در واقع خدا ترسانند که سنت ختنه را به جا نمی آورند... آنها با خود می گفتند چرا باید این کار را انجام دهیم؟ آنها به عیسی مسیح ایمان آورده بودند که یک بار و برای همیشه آنها را از گناه رها کرده بود.

5-ملاحظه صغيرة حول هذا:

اليهودي هو فقط من ولد لأم يهودية.

ومع ذلك ، كانت هناك مجموعة كبيرة من المتعاطفين مع اليهودية الذين كانوا حاضرين في الصلوات والتضحيات لكنهم لم يسمحوا لأنفسهم بالختان.

لقد عاشوا عملياً ضوء اليهودية.

في العهد الجديد يطلق عليهم "خائفون الله":

وكان قبطان كفرناحوم أحدهم (لوقا 7) والقائد كورنيليوس (أع 10) والصباغ الأرجواني ليديا وتيطس.

كانوا في الواقع يهوداً يونانيين.

كان هذا الاتجاه الجديد لليهودية ، الذي نسميه "المسيحية" اليوم ، جذاباً للغاية بالنسبة لهم في ذلك الوقت.

وهكذا حدث فجأة أن العديد من هؤلاء "الأتقياء" اعترفوا بيسوع الناصري كمسيحهم.

وبالطبع هؤلاء "الأتقياء" لا يمكن أن يختتنوا ... فلماذا؟ لقد آمنوا بيسوع ، الذي حررهم مرة وإلى الأبد من كل ذنب.

6- كانت هناك الآن مجتمعات يسوع ومركزها في القدس تحت قيادة بطرس ويعقوب ، الذين يتحدث أعضاءهم الآرامية ، وتم ختانهم وعاشوا بالكامل من اليهود

وكانت هناك مجتمعات يسوع ، ومركزها في أنطاكية ، وكان أعضاءها يتحدثون اليونانية ولم يكونوا يهوداً منذ ولادتهم ، لذلك لم يتم ختانهم ولم يتبعوا التعليمات اليهودية بدقة.

تم تمثيل هذه الكنائس الجديدة بواسطة مفكر عظيم من طرسوس ربما تعرفونه جميعاً: شاول ، الملقب ببولس.

السؤال الذي كان في الغرفة كان:

هل يجب ختان الأعضاء الجدد الذين ليسوا من أصول يهودية أم لا؟

نشأت التوترات.

6 در این زمان جوامع مسیحی در اورشلیم تحت حکومت پیتر و جیمز بودند که تمامی اعضای آنها به زبان آرامی صحبت می‌کردند، سنت ختنه را به جای آورده و کاملاً مانند یهودیان زندگی می‌کردند.

جوامع مسیحی نیز وجود داشت که مرکز آن انطاکیه بود که اعضای آن یونانی زبان بودند و از بد تولد یهودی نبودند، یعنی سنت ختنه را به جای نمی‌آوردند و تمامی مقررات یهود را کاملاً رعایت نمی‌نمودند.

این جوامع توسط یک روشنفکر بزرگ از شهر تارسوس شناسانده می‌شوند که حتماً اکثر شما او را می‌شناسید: سائول ملقب به پولس.

سوالی که مطرح بود این بود که : آیا اعضای جدیدی که از نژاد یهودی نبودند باید سنت ختنه را به جای آورده یا خیر ؟

و اینگونه بود که تنش به پا شد.

## 7 اعضای محترم کلیسا

آنچه امروزه مسیحیت می نامیم هنوز بخشی از یهودیت بود. و تنها افرادی که سنت ختنه را به جای آورده بودند و خود را با قوانین خلق ادغام کرده بودند را شامل می شد و سایر موارد نمونه هایی از ارتداد بودند.

عده ای از یهودی به انطاکیه آمدند. آنها به برادران توضیح دادند که شما باید طبق دستور موسی ختنه شوید.

حتی بین پولس و برنابا با برخی از آنها مشاجره و درگیری به وجود آمد

### اعمال رسولان 15

در آن زمان، تقریباً حدود بیست سال پس از مسیح اولین تشکیل گروه های مسیحی و اولین اختلافات به وجود آمدند.

## 7-اعزائي رعية الصليب ،

ما نسميه المسيحية اليوم كان لا يزال جزءًا من اليهودية.

شمل هذا فقط أولئك الذين اندمجوا في شعب الله وسمحوا لأنفسهم بالختان.

كل شيء آخر كان ردة.

جاء بعض الناس من اليهودية إلى أنطاكية. فشرحوا للإخوة ، "يجب أن تختنوا كما أمر موسى.

وكان لبولس وبرنابا جدال عنيف مع الرجال. (أعمال الرسل 15: 1-2 أ ب)

بعد مرور 20 عامًا على يسوع ، كان هناك أول تكوين جماعي وأول نزاع ملموس.

8 البته شاید این امر برای ما جالب باشد که در نهایت چگونه این دو گروه اختلافاتشان را حل و فصل نمودند.

بنابراین تصمیم گرفته شد که پولس به همراه برنابا و چند نفر دیگر از اعضای کلیسا به اورشلیم اعزام شوند و از آنها خواسته شد تا موضوع را به رسولان و بزرگان کلیسا ارائه نمایند. اعمال رسولان 15

یک امر بسیار در اینجا اهمیت دارد که هر دوی این گروه‌ها به اراده ای جهت اتحاد باور داشتند. آنها می‌توانستند بگویند که گروه دیگر هر آنچه را که می‌خواهد انجام دهد اما با بیان این امر دیگر امکانی جهت بحث و گفتگو باقی نمی‌ماند. همان اندازه که این شکاف ایجاد شده بین این دو گروه عمیق بود به همان اندازه نیز دوطرف می‌خواستند تا راهی بیابند تا همگی با هم از مسیح پیروی نمایند.

از پولس و برنابا همیشه به شکلی دوستانه استقبال می‌شد حتی اگر گاه آنان ها لحن تندی داشتند.

این امر برای همه روشن بود: ما به عنوان خواهران و برادران با هم هستیم و باید به دنبال راه حلی باشیم که تمامی اعضای جامعه را به سوی عدالت سوق دهد.

8- بالنسبة لنا اليوم ، من المثير بالطبع أن نرى كيف تعامل المعسكران مع خلافتهما - كيف حسموا خلافهم.

لذلك تقرر إرسال بولس وبرنابا وعدد قليل من الآخرين من الكنيسة إلى اورشليم. هناك طلب منهم عرض القضية على الرسل وشيوخ الكنيسة. (أعمال الرسل 15: 2 ب - 3 أ)

ملاحظة واحدة مهمة بشكل خاص هنا:

كانت كلتا المجموعتين مشبعة بالإرادة على الوحدة.

يمكنك أيضاً أن تقول: "افعل ما تريد...!"

لكن هذا كان غير وارد للجانبين.

بقدر عمق الصدع - أراد الجميع إيجاد طريقة لاتباع المسيح يسوع معاً.

يتم الترحيب ببولس وبرنابا بطريقة ودية - حتى لو كانت النعمة حادة في بعض الأحيان.

من الواضح للجميع: إننا ننتمي معاً كأخوة وأخوات وعلينا أن نجد حلاً ينصف جميع المعنيين

9 راه حل این است درست، به مانند سیاست سازش.

. یونانیانی که می خواهند از مسیح پیروی کنند اما یهودی به دنیا نیامده اند نیازی به ختنه ندارند.

. حداقل اجماع برای انطباق با قوانین قوم یهود، که از این پس در مورد افراد غیر ختنه شده نیز اعمال می شود، مورد توافق واقع شد.

. و همه باید رسولان حاضر در اورشلیم را به رسمیت بشناسند.

9-والحل - تمامًا كما هو الحال في السياسة - هو حل وسط :

• اليونانيون الذين يريدون أن يتبعوا يسوع ولكنهم لم يولدوا يهودًا لا يحتاجون إلى الختان.

• تم الاتفاق على حد أدنى من الإجماع على الامتثال لقوانين الطعام اليهودية ، والتي من الآن فصاعدًا تنطبق أيضًا على غير المختونين.

• لكن الرسل في القدس ينبغي الاعتراف بهم كسلطات للجميع.



**10** اما به نظر من باید دوباره آن سوال اولیه را مطرح کنیم.

چگونه گروه های مختلف مسیحی با اختلافات موجود برخورد کردند؟

✓ آنها با احترام متقابل با یکدیگر برخورد نموده و هیچ کدام ایمان دیگری را انکار نکردند.

✓ آنها با هم دیدار کردند یکدیگر را در آغوش گرفتند با هم غذا خوردند و نوشیدند و با هم به صورت رودر رو صحبت کردند.

✓ آنها هرگز این واقعیت را از یاد نبردند که اساساً همگی شان به هم تعلق دارند علیرغم تمامی اختلافات موجود.

✓ به اجماعی جهت زندگی اجتماعی مشترک رسیدند.

آنچه اکنون بیان می‌کنم همانیست که در ابتدا گفتم:

وحدت در تفاوت‌های آشتی یافته

**10-** لکن يبدو لي أن تناول السؤال الأولي مرة أخرى أهم بكثير:

كيف تعاملت الجماعات المسيحية المختلفة مع تنوعها؟

أولاً: تعاملوا مع بعضهم البعض باحترام متبادل على قدم المساواة. لا أحد أنكر إيمان الآخر.

ثانياً ، التقيا. لذلك ، عانقوا بعضهم البعض ، وأكلوا وشربوا معاً ورأوا بعضهم البعض وجهاً لوجه.

ثالثاً: لم يغفلوا أبداً حقيقة أنهم ينتمون أساساً إلى بعضهم البعض ، مهما كانت الاختلافات كبيرة.

رابعاً ، لقد توصلت إلى إجماع يمكن للجميع التعايش معه.

ما يعبر عنه هذا هو بالضبط الفكرة التي قدمتها لك في البداية:

الوحدة في التوفيق بين التنوع.

11 بله، آنها متفاوت هستند و متفاوت باقی می‌مانند.

آنها با یکدیگر ملاقات می‌کنند و حرف‌های یکدیگر را می‌شنوند آنها یاد می‌گیرند که موقعیت‌های مختلف یکدیگر را درک کنند.

اما مهمتر از همه: از این واقعیت غافل نمیشوند که همگی در مسیح به یکدیگر تعلق دارند.

این اراده برای سازش است که آنها را با تمامی تفاوت‌ها متحد می‌سازد. وحدت از تعداد بیشماری شباهت حاصل نمی‌شود، بلکه از اراده‌ای جهت سازش به وجود می‌آید.

وحدت در تفاوت‌هایی آشتی یافته.

با بررسی دقیق‌تر، این اشکال پرستش و یا آموزه‌های صحیح نیستند که از ما مسیحی می‌سازند بلکه در واقع مواجه شدن با این خداوند شگفت‌انگیز است که از ما مسیحی می‌سازد. و چقدر این امر خاص به نظر می‌رسد که احتمالاً هر یک از ما او را به شکلی خاص خودمان توصیف می‌کنیم.

11- نعم ، هم مختلفون و یظنون مختلفین.

یجتمعون ویستمعون إلی بعضهم البعض.  
یتعلمون فهم موافقهم المختلفة.

لكن قبل كل شيء: أنت لا تتخلى عن فكرة أن كل من يؤمن بالمسيح يسوع ينتمون معاً.

إنها إرادة المصالحة التي توحدهم بكل تنوعهم.

لا تنتج الوحدة عن أكبر عدد ممكن من أوجه التشابه ، ولكن من الرغبة في المصالحة:

الوحدة في التوفيق بين التنوع.

عند الفحص الدقيق ، لم تكن أشكال العبادة أو المذاهب الصحيحة هي التي جعلتنا مسيحيين.

لقد كان لقاء مع هذا الإله الرائع.

كيف تبدو محددة على الأرجح أن يصفها كل واحد منا بشكل مختلف.

**12- لقد أصبحنا مسيحيين لأن الله أثر فينا  
بعمق ، لأننا اخترنا حقاً قربه وصلاحه  
ومحبته!**

**أن يلمسنا الله ويدعونا إلى اتباع طرق مختلفة  
جداً هو أساس إيماننا.**

**لذا دعونا نكون كرماء عندما نلتقي بمسيحيين  
آخرين لا نفهم مسيحيتهم.**

**دعونا لا نفقد الإيمان أبداً بأن العقل يهب حيث  
يشاء.**

**دعونا لا ننسى الدهشة من أن لقائنا مع الله  
يتخذ أشكالاً مختلفة تماماً.**

**دعونا نستقبل دافع محبة الله ونتحرك تجاه  
بعضنا البعض.**

**آمين.**

ما مسيحي شديد زيرا خداوند قلبمان را لمس  
نموده است و زيرا نزدیکی و عشق و محبت  
او را تجربه کرده ایم. این که خدا ما را لمس  
نموده و ما را به روش های متفاوت فرا  
می خواند بنیان ایمان ما است. بنابراین بیایید  
در هنگام دیدار با سایر مسیحیانی که  
مسیحیت آنها را درک نمی کنیم، سخاوتمند  
باشیم.

هرگز ایمان را از دست ندهیم که ذهن هر  
جایی که بخواهد می رود.

حیرت را فراموش نکنیم که برخورد ما با  
خداوند اشکال متفاوتی دارد.

بیایید انگیزه عشق خداوند را پذیرفته و به  
سوی یکدیگر گام برداریم.

**آمین.**